



## تحلیل کیفیت زندگی در بافت قدیم و جدید شهر مراغه با بهره گیری از مدل آنتروپی و الکتره\*

حسن آهار<sup>۱</sup>

سید امیر منصوری<sup>۲</sup>

- ۱ - کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه شهرسازی، قزوین، ایران
- ۲ - دکتری شهرسازی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

### چکیده

مفهوم کیفیت زندگی شهری، از مهمترین جریان های فکری اخیر است که برنامه ریزی را تحت تاثیر خود قرار داده است. از دهه ۱۹۷۰، مطالعه شاخص های اجتماعی به عنوان حوزه ای از علوم اجتماعی دانشگاهی مقبولیت به دست آورد و موجب تلاش هایی برای گزارشات اجتماعی منظم و تولید داده های ویژه، برای پایش اجتماعی شد. هدف این مقاله تبیین سطوح کیفیت زندگی در دو بافت قدیم و جدید شهر مراغه بر مبنای عوامل اقتصادی، اجتماعی، مسکونی، بهداشت محیطی، دسترسی به خدمات و تسهیلات شهری و کیفیت حمل نقل عمومی می باشد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی می باشد. ابتدا مطالعات اکتشافی به صورت کتابخانه ای و بازدید مقدماتی صورت گرفته و سپس مطالعه میدانی با استفاده از روش پرسشنامه ای انجام شده است. در نهایت برای تحلیل و رتبه بندی محلات، روش آنتروپی و ELECTRE به کار گرفته شده است. بر مبنای بررسی های صورت گرفته، با استفاده از آنتروپی شاخص دسترسی به فضای سبز با امتیاز بالا و اختلاف چشمگیری به ویژه در بافت قدیم نسبت به بقیه شاخص ها در رتبه اول قرار دارد. شاخص های کیفیت حمل و نقل عمومی، کیفیت دسترسی سواره به واحد مسکونی، کیفیت خیابان ها و معابر در بافت قدیم حائز اهمیت بودند، شاخص های دسترسی به تسهیلات و خدمات عمومی، متوسط قیمت زمین در سطح محلات بیشترین اهمیت را داشتند. براساس نتایج بدست آمده از تکنیک ELECTRE محلات ۳-۶، ۲-۶ و ۱-۶ از نظر شاخص های مورد مطالعه در بهترین شرایط و محلات ۲-۲، ۱-۳ و ۴-۴ در بدترین شرایط و پایین ترین رتبه قرار دارند.

email:ahar.hasan@gmail.com

۱- شماره تماس نویسنده مسئول :

\*این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد «حسن آهار» با عنوان «تحلیل گسترش افقی شهر با بکارگیری سیاست های رشد هوشمند شهری نمونه موردی: شهر مراغه» است که به راهنمایی دکتر «سید امیر منصوری» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات قزوین انجام گرفته است.



کلید واژه‌ها: کیفیت زندگی، شهر مراغه، بافت قدیم، بافت جدید، ELECTR

## مقدمه

تاریخچه پیدایش مفهوم کیفیت زندگی به دوران ارسطو در ۳۸۵ سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. در آن دوران ارسطو زندگی خوب یا خوب انجام دادن کارها را به معنی شاد بودن در نظر گرفته است، لیکن در عین حال به تفاوت مفهوم شادی در افراد مختلف پرداخته است و ذکر نموده است، سلامتی که باعث شادی در یک فرد بیمار می‌شود با ثروت که فرد فقیری را شاد می‌کند یکسان نیست و به طور مشخص بیان نموده است که شادی نه تنها برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد، بلکه برای یک فرد نیز در شرایط متفاوت معنی یکسانی نخواهد داشت. به هر حال در آن زمان شادی یا شادمانه زیستن معادل با آنچه که امروز کیفیت زندگی تلقی می‌شود بود؛ ولی اصطلاح کیفیت زندگی تا قرن بیستم مورد استفاده قرار نگرفته بود. به مرور زمان محققین متوجه شدند که کیفیت زندگی می‌تواند یکی از پیامدهای پراهمیت در ارزیابی‌های سلامت باشد، چنانچه تعریف سازمان بهداشت جهانی از سلامت نیز به این نکته تاکید دارد (Fayers P M et al, 2000) با توجه به تعریف تندرستی توسط سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۸ میلادی، مبنی بر ابعاد وسیع آن به شکل رفاه کامل فیزیکی، روحی و اجتماعی و نه فقط عدم وجود بیماری، لازم است اندازه گیری سلامت و ارزیابی مداخلات بهداشتی علاوه بر شاخص‌های فراوانی و شدت بیماری به سایر ارزش‌های انسانی مانند کیفیت زندگی نیز توجه کند (Chapman & Hall, 2002 & Bonomi A, Patric D, Bushnell D, 2000) در دهه‌ی ۱۹۷۰، مطالعه شاخص‌های اجتماعی به عنوان حوزه‌ای از علوم اجتماعی دانشگاهی مقبولیت به دست آورد و موجب تلاش‌های برای گزارشات اجتماعی منظم و تولید داده‌های ویژه برای پایش اجتماعی شد (Smith, 1997, Liu, 1976) هم‌چنین در این دوره (دهه‌ی ۱۹۷۰) دو نوع گسترده شاخص‌های اجتماعی، شاخص‌های اجتماعی «عینی» و «ذهنی» مطرح شدند. شاخص‌های عینی آنهایی هستند که سعی بر توصیف محیط‌های فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی دارند که مردم در آنها زندگی و کار می‌کنند (مثل تدارک خدمات بهداشتی، آموزش، نرخ بیکاری، فعالیت‌های فراغت یا وضعیت مسکن). آنها حقایق اجتماعی و فیزیکی را به طور مستقل از ارزیابی‌های فردی نمایش می‌دهند، در حالیکه شاخص‌های ذهنی برای توصیف شیوه‌هایی که مردم اوضاع اطرافشان را درک و ارزیابی می‌کنند، طراحی شده‌اند (مثل رضایت از شغل). در این دهه مطالعات بسیار متفاوتی پدیدار شدند، مثل گزارش لیو (۱۹۷۶) از اوضاع در شهرهای ایالات متحده آمریکا با استفاده از شاخص‌های عینی و نیز تحقیقاتی همچون مطالعه‌ی بردبرنز (۱۹۶۹) با استفاده از شاخص‌های ذهنی. در اواخر دهه ۱۹۷۰، مجله شاخص‌های اجتماعی منتشر و مجموعه‌ای از مقالات در مورد سنجش کیفیت زندگی و کیفیت زندگی شهری منتشر کرد (Schneider, 1976 & Crap and Zawadski, 1975 & Marans and Rodgers, 1975 & Porteous, 1975) در سال‌های اخیر نیز مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری گسترش یافته است، محققان رشته‌های گوناگون از جمله شهرسازی، جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد، روان‌شناسی، علوم سیاسی، بازار یابی و مدیریت در این عرصه مشارکت داشته‌اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۸). می‌توان به مطالعات حمل‌نقل و کیفیت زندگی (E.L. Spinney et al, 2009 & de Groot and Steg, 2006)، کاربری زمین و کیفیت زندگی (Preuss and W. Vemuri, 2004 & O. Marquez and C. Smith, 1999)، مطالعات اجتماعی از کیفیت زندگی (Wang et al, 2010 & J.Mason et al, 2010) مطالعات اقتصادی (Wong, 2001)